

آمریکا، ایران، و تئوری بازیها

بسیاری از تصمیمات شخصی و اجتماعی یا بر اساس احساس و یا به روش تصمیم گیری رضایتبخش (Satisficing) صورت میگیرد. در این روش تصمیم گیرندگان با توجه به محدودیت منابع، خصوصاً زمان، و با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، جستجو برای تصمیم بهینه را متوقف میکنند و بصورت مکاشفه ای (Heuristic) راهی را انتخاب مینمایند.

تئوری بازیها (Game Theory) علم بررسی و انتخاب بهترین استراتژی در رفتار متقابل تصمیم گیرانی است که بصورت عاقلانه به دنبال به حداکثر رساندن بهره وری از تصمیمات خود هستند. این تئوری یکی از روش هایی است که هنگام اتخاذ تصمیمات مهم مورد استفاده قرار میگیرد. تصمیمات در باره روابط بین الملل و جنگ و صلح از جمله تصمیماتی هستند که معمولاً توسط اطاق های فکر نظامی و دولتی اتخاذ میشوند و چون این تصمیمات هزینه بسیاری در بر دارند، در آنها از تئوری بازیها استفاده میشود.

تئوری بازیها شرایط محیط تصمیم گیری، دیدگاه تصمیم گیرندگان و اهداف ایشان را مدلسازی میکند و نتایج ممکن از تصمیمات را بررسی مینماید. از دید تئوری بازیها تصمیم گیران همچون شطرنج بازانی هستند که در باره حرکت بعدی خود می اندیشند. واقعیت تصمیماتی که در جهان سیاست و قدرت گرفته میشود معمولاً پیچیده تر از مدلی است که ما برای درک آن تعریف میکنیم. مانند سایر مدلهایی که در علوم تجربی استفاده میشود هر مدلی یک ساده سازی واقعیت است. ولی همین مدلها هستند که به علت رسمی تعریف شدن بهترین کمک را به درک جهان واقعی میکنند و از گفتگوهای غیر علمی مفیدترند. از دید این تئوری، این بازیها بر دو نوعند: بازیهای با مجموع صفر و بازیهای با مجموع غیر صفر.

فرض کنید سه نفر برای سهم خود از یک کیک تصمیم گیری میکنند. هر یک از این سه نفر ممکن است در باره این مسئله به نحوی فکر کند. اگر فردی چنین بیاندیشد که من باید راهی پیدا کنم که همه کیک یا بیشترین مقدار ممکن از این کیک به من برسد، از نظر این فرد هر مقداری که به دیگران برسد از سهم مورد نظر او کم می شود. این فرد به شرایط بازی بر اساس مدل «بازی با مجموع صفر» نگاه میکند. فرد دیگری می اندیشد که باید راهی پیدا کند که این کیک بطور مساوی تقسیم شود. برای این فرد حتی اگر سهم وی از نصف به ثلث کاهش یابد تصمیم بهتری گرفته شده است. شخص سوم می اندیشد که باید کاری کند تا به هر کسی قسمتی از کیک که مزه آن را بیشتر دوست دارد برسد. برای نفرات دوم و سوم، بازی بصورت «مجموع غیر صفر» مدل شده به این معنی که آنها حاضرند منافع دیگران را در تصمیم گیری خود ملحوظ کنند. مثلاً نفر سوم دوست دارد با دو نفر دیگر گفتگو کند و بداند که هر یک به کدام قسمت کیک علاقه دارند و سعی میکند تا راهی پیدا کند که مجموع لذت همه بیشتر شود. وی شاید در یابد که اگر یک چهارم کیک را که توت فرنگی دارد برای خود بردارد و یک چهارم کیک را که تمشک دارد به نفر دوم بدهند و نیمی از کیک را به نفر اول بدهند هر سه نفر بی نهایت خوشحال خواهند شد. این در حالی است که چنین تصمیمی برای نفر اول که به بازی بصورت «بازی با مجموع صفر» نگاه میکند بهینه نیست. او فقط به منافع خود می اندیشد و هر چند کیک تمشکی زیاد دوست ندارد ولی دوست دارد بیشترین قسمت تمشکی کیک هم در اختیار او باشد و از آن هم لذت ببرد هر چند باعث ناراحتی شدید دیگران شود. نفر اول فقط منافع خود را در نظر میگیرد و علاقه ای به دانستن خواسته های دیگران ندارد و در صورتی با دیگران مذاکره می کند که فقط به نفع خواسته های وی باشد.

بازیها بر دو گونه اند. بازی هایی که طرفین فقط یکبار در مقابل هم قرار میگیرند (One Shot Games)، و بازی هایی که در طول زمان تکرار میشوند (Repeated Games). در روابط اجتماعی و بین المللی طرفین بازی مرتباً بازی با یکدیگر را تکرار میکنند یا ادامه میدهند. در این نوع بازیها شهرت طرفین بازی و قابل اعتماد بودن آنها در محاسبات طرفین در نظر گرفته میشود.

از دیدگاهی دیگر بازیها میتوانند متقارن یا نامتقارن باشند. در بازی های متقارن اطلاعات طرف های بازی و تصورشان از منافع حاصل از هر عمل خود و دیگری مشابه است. در بسیاری از شرایط واقعی اطلاعات، یا تصورات طرف های بازی از منافع، متقارن نیستند. در هر قدم، هر یک از طرف ها باید تصمیماتی گرفته و عملی انجام دهند. استراتژی دستورالعملی است که تصمیم گیرنده برای انتخاب عملی بعدی در هر یک از قدمها با توجه به شرایط از آن استفاده میکند. میزان موفقیت تصمیم گیرنده بستگی به شرایط محیطی و دستورالعملی که وی

و دیگر طرفها از آن استفاده میکنند دارد. استراتژی غالب (dominant strategy)، استراتژی است که مستقل از استراتژی انتخاب شده از طرف دیگران منجر به بهترین نتیجه برای تصمیم گیرنده شود. بیشتر بازی ها استراتژی غالب ندارند.

در بعضی شرایط، دو کشور میتوانند دریابند که استراتژی غالبی برای هر دو آنها وجود دارد که منافع ایشان را افزایش میدهد بدون اینکه از مافع دیگری بکاهد. جدول زیر نمونه از اسن شرایط بازی با جمع غیر صفر را نشان میدهد. فرض کنید که یک کشور تولید کننده نفت دارای مازاد نفت به برنج احتیاج دارد و یک کشور صادر کننده برنج دارای مازاد برنج به نفت احتیاج دارد. در باره افزایش صادرات یا کاهش صادرات به کشور دیگری می اندیشد.

اگر کشور صادر کننده برنج به تجار کشور دیگر بفروشد (1)، کشور صادر کننده نفت دو انتخاب دارد فروش نفت یا عدم فروش. در هر دو صورت نتیجه برای کشور تولید کننده برنج خوب 2 و 3 است. در این حالت برای کشور صادر کننده نفت فروش نفت خوب است (4) ولی عدم فروش نفت باعث منفی شدن تراز تجاری میشود و بد است (5).

اگر کشور صادر کننده برنج به تجار کشور دیگر نفروشد (6)، کشور صادر کننده نفت دو انتخاب دارد فروش نفت یا عدم فروش. در این حالت استراتژی فروش نفت برای فروشنده نفت بسیار خوب است و عدم فروش خنثی (8) است. بنابر این در هر حالت برای هریک از طرفین فروش بهترین استراتژی است.

بازی متقارن تهاوری با جمع غیر صفر

		کشور الف تولید کننده نفت			
		عدم فروش		فروش	
کشور ب تولید کننده برنج	عدم فروش (6)	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف
		خنثی	خنثی (8)	بد	<u>بسیار خوب</u> (7)
	فروش (1)	<u>بسیار خوب</u> (2)	بد (5)	<u>بسیار خوب</u> (3)	<u>بسیار خوب</u> (4)

در بعضی شرایط طرفین باید بین یک استراتژی تهاجمی و یک استراتژی غیر تهاجمی یکی را انتخاب کنند ولی به علت تفاوت قدرت، انتظارات و تصورات طرفین نتایج و منافع برای طرفین متقارن نیست.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایدئولوژی فرقه ای در آمریکا قدرتمند شد که از دهه شصت میلادی معتقد بودند آمریکا که در آن زمان تنها ابرقدرت جهان بود، با توجه به برتری خود، باید همواره استراتژی تهاجمی را دنبال کند. این تفکر بخشی از ایدئولوژی محافظه کاری جدید (Neoconservatism) است. این فرقه معتقد بودند، و هستند، چون آمریکا از رقبایش قدرتمند تر است و چون سایر بازیگران در صحنه بین المللی به ضعف خود واقفند و استراتژی تسلیم را انتخاب خواهند کرد. لذا استراتژی تهاجم بهترین بهره را برای آمریکا به بار خواهد آورد. سیاستمدارانی که به این استراتژی تهاجم معتقدند شاهین (Hawk) و مخالفان آنها کبوتر (dove) نام گرفته اند. این مدل به دیدگاه حکومت پرزیدنت بوش در زمان حمله به عراق نزدیک است. اینکه عراق در عملیات ۱۱ سپتامبر دست داشته است یا نه برای استفاده آمریکا از زور در اشغال کشوری با منابع استراتژیک اهمیتی نداشت و پیش بینی آمریکا در مورد انتخاب استراتژی کبوتر از طرف سایر ابر قدرتهای جهانی مثل روسیه و قدرتهای منطقه ای مثل ایران درست در آمد و عراق به سرعت اشغال شد.

شاهین های آمریکا در هر جای جهان منافع برای خود متصور هستند و به هر قیمتی آن منافع را دنبال میکنند. پس از حملات یازده سپتامبر شاهین ها که در قدرت بودند ایت فرصت را یافتند که به یکی از اهداف خود جامه عمل بپوشانند و دولت آمریکا میتوانست بین این دو گزینه یکی را انتخاب کند:

(۱) حمله به عراق

(۲) عدم حمله به عراق

از دید شاهین ها چین و روسیه فقط میتوانستند یکی از این دو گزینه را انتخاب کند:

(۱) مخالفت عملی

(۲) عدم مخالفت عملی

جدول زیر دیدگاه احتمالی شاهین های آمریکا را به اوضاع را نشان میدهد:

ایشان باید هم باید منافع خویش را در نظر بگیرد و هم باید آن چیزی را که فکر می کنند در ذهن دیگران می گذرد لحاظ کند. نتایج سمت راست منفعت احتمالی سرانجام هر تصمیم آمریکا و نتایج سمت چپ منفعت متصوره در ذهن سایر قدرت ها را بر اساس حدس آمریکا نشان میدهد. شاهین ها با خود می اندیشیدند که اگر به عراق حمله کنند، چین و روسیه مخالفت عملی نخواهند کرد چرا که سایر قدرتها فکر خواهند کرد که هزینه عدم مخالفت عملی (1) در مقابل حمله به عراق از هزینه مخالفت عملی کمتر است (2). از طرفی اگر سایر قدرتها و سازمان ملل با این حمله مخالفت نکنند برای آمریکا مهم نیست و نتیجه برای آمریکا خوب (۳) خواهد بود و اگر با این حمله مخالفت نکنند هم برای آمریکا بیشترین منافع را دارد (4)، لذا حمله به عراق صورت گرفت. پیش بینی شاهین ها درست از آب در آمد چرا که عدم مخالفت عملی با آمریکا از دید ایشان نیز بهترین استراتژی بود. این یک بازی با جمع غیر صفر بود که در آن افزایش منافع آمریکا با کاهش منافع استراتژیک دیگران امکان پذیر میشد.

بازی با بهره نا متقارن ابر قدرت و ابر قدرت

		آمریکا الف			
		حمله به عراق		عدم حمله به عراق	
چین و روسیه ب	مخالفت عملی	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف
		بسیار بد (2)	خوب (3)	بد	خنثی
چین و روسیه ب	عدم مخالفت عملی	بد (1)	بسیار خوب (4)	خنثی	خنثی

ولی شکست سیاسی آمریکا در عراق و اشتباهات مکرر، در مسلح کردن نیروهای بعثی و سنی رادیکال بر علیه دولت شیعه در عراق و سوریه و طولانی شدن این ماجرا، بدهی زیاد و عواقب ناخواسته ای را برای آمریکا به بار آورد که موجب به روی کار آمدن باراک اوباما شد. اوپاما جزو معدود مخالفان عملیات در عراق بود و در میانه یک رکود اقتصادی بی سابقه حکومت آمریکا را بدست گرفت. او متعلق به جناحی از حزب دمکرات بود که دنیا را به مدل دیگری میدیدند. لذا دست "نو محافظه کاران" در حکومت آمریکا آرام آرام از قدرت کوتاه شد. آمریکا سیاست خارجی خود را تغییر داد و از حالت تکروی دوران بوش فاصله گرفت.

هیلاری کلینتون به نو محافظه کاران نزدیک بود. پس از برکناری وی از وزارت کشور (که همان وزارت امور خارجه است) ، سیاست خارجی آمریکا از بازی های با جمع صفر دور شد و بیشتر وارد همکاری با شرکا و رقبایش گردید. یکی از مسایلی که در چهارچوب این استراتژی جدید به آن توجه شد مسئله روابط با ایران بود. در این مقطع برای جهان این سوال مطرح بود که آیا از آن پس آمریکا استراتژی عقلایی را در روابط خارجی خود انتخاب میکند و آیا ایران تصمیمات متقابل خود را عقلایی اتخاذ خواهند کرد یا نه.

اوباما نشان داده بود که از سیاست های یک طرفه بوش فاصله گرفته و سوال در مورد اینکه آیا ایران در مقابل حرکات خود را عقلایی (Rational) انجام میدهد یا نه اولین سوالی بود که در باره آن بحث و اظهار نظر شد. یکی از نقاط عطف علنی شدن دیدگاه ارتش آمریکا در باره نحوه بازی ایران هنگامی بود که در سال ۲۰۱۲ فرید زکریا از *ژنرال* مارتین دمپسی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا سوال کرد که آیا به نظر وی ایران بازیگری بسیار نامعقول در عرصه جهانی است و او در پاسخ اظهار داشت: "این سؤال بسیار خوبی است. من با این سوال از سال ۲۰۰۸ که مسئول ستاد مشترک شدم مواجه شدم . ما معتقدیم که رژیم ایران یک بازیگر معقول است."

به نظر میرسد مذاکرات برجام بر اساس همین برداشت توسط کلیه ابرقدرتها دنبال شد و به نتیجه رسید. جدول زیر دیدگاه احتمالی طرفهای این مذاکرات را نشان میدهد. به این وضعیت تنگنای یا دو راهی زندانی میگویند (prisoner's dilemma). برای ایران بهتر بود که تحریمها برداشته میشد و غنی سازی هم ادامه می یافت و برای بعضی از طرف های مذاکرات هم بهتر بود که غنی سازی متوقف میشد و تحریمها هم ادامه میافت تا امتیازات دیگری از ایران گرفته شود. اگر تحریمها ادامه می یافت و غنی سازی هم ادامه می یافت برای همه بد بود. اکنون که جزییات بیشتری از این قرارداد میدانیم به نظر میرسد که آمریکا سایر طرف های مذاکره را قانع کرده بود که از استراتژی تهاجم همیشگی دست برداشته. لذا طرف های مذاکرات تصمیم گرفتند رفتار خود را از آن پس بر اساس استراتژی "عمل به مثل" (Tit for Tat) انجام دهند. "عمل به مثل" یک استراتژی بسیار مؤثر در تئوری بازی ها است . یک بازیگر یا تصمیم گیرنده با استفاده از این استراتژی ابتدا با طرف مقابل همکاری می کند و سپس اقدام متقابل طرف را نظاره میکند و از آن پس همکاری یا تهاجم حریف را مقابله به مثل می کند. این بازی موفق ترین استراتژی بازی بر اساس عدم اعتماد طرفین است، که در صورت پابندی طرف ها به همکاری، نتایج مثبتی با جمع غیر صفر به بار می آورد (۲۰۱۰). این عدم اعتماد طرفین نکته ای است که محمد جواد ظریف و جان کری وزیرای خارجه ایران و آمریکا بارها آن را مطرح کرده بودند. معاهده برجام پیش بینی میکند که با ماندگار ماندن در توافق ایران غنی سازی را متوقف متوقف میکند و سایرین تحریمهای ایران را برداشته و با ایران در توسعه صلح آمیز هسته ای همکاری میکنند و لذا طرفهای مذاکره نتایج خوبی بدست خواهند آورد. از طرفی به علت عدم اعتماد پیش بینی شد که اگر طرفی به تعهدات خود عمل نکند عواقب متناسبی را متحمل خواهد شد.

بازی توافقی با بهره متقارن همراه با عدم اعتماد

استراتژی عمل به مثل با شروع همکاری از سوی طرفین

		آمریکا الف			
		ادامه تحریمها		برجام	
ایران ب	غنی سازی	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف
		بد	بد	بسیار خوب	بسیار بد
	برجام	بسیار بد	بسیار خوب	خوب (2)	خوب (1)

با روی کار آمدن ترامپ، نو محافظه کاران که در دوران اوباما دستشان از قدرت قطع شده بود و معتقد بودند که آمریکا باید در سیاست خارجی خود نحوه بازی دیگری را انتخاب کند فرصت یافتند تا بازی خود را دوباره آغاز کنند. پرزیدنت ترامپ تحت تاثیر ایدئولوژی نو محافظه کارانه شاهین ها، بسیاری از اقدامات اوباما را ملغی کرد و از قراردادهای بین المللی بسیاری از جمله قراردادهای با چین و اروپا و کانادا و مکزیک و معاهده نامه های سلاحهای دور برد و هسته ای با روسیه ، توافقنامه های مربوط به محیط زیست و همچنین از قرارداد برجام با ایران، بطور یک طرفه خارج شد. احتمالا شرایط از دید شاهین های آمریکا شبیه به جدول زیر بوده است. ایشان با خود می اندیشدند که ،مانند گذشته، از دید سایر قدرتها ، عقب نشینی در مقابل خواسته های آمریکا هرچند تلخ خواهد بود ولی حرکات تهاجمی متقابل از سوی سایر قدرتها نتایج بسیار بدی برای ایشان دارد و لذا عقب نشینی خواهند کرد.

بازی با بهره نا متقارن آمریکا با سایر قدرتها

استراتژی تهاجمی از دید آمریکا

		آمریکا الف			
		حرکات تهاجمی Hawk		پایبندی به تعهدات Dove	
سایر قدرتها ب	حرکات تهاجمی Hawk	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف
	عقب نشینی Dove	بسیار بد	<u>بد</u>	خوب	بسیار بد
		<u>بد</u>	بسیار خوب	<u>بسیار خوب</u>	خوب

قدرتهای جهان مجدداً با تصمیم در مورد بازی شاهین و کبوتر که باز هم از طرف شاهین های آمریکا آغاز شده بود مواجه شدند. اینطور به نظر میرسد که بر خلاف سال ۲۰۰۳، قدرتهای جهانی از استراتژی کبوتر سر باز زده و از مدل "عمل به مثل" برای تصمیمات خود در مقابل آمریکا استفاده میکنند. ایران ، چین ، روسیه و اروپا در برابر اقدامات تهاجمی آمریکا ، بازی مقابله به مثل را اجرا میکنند و منتظر عمل بعدی آمریکا میمانند. این به آن معنی است که برای خود راههایی غیر از تسلیم در مقابل آمریکا متصور هستند. احتمالا شرایط از دید سایر قدرتها شبیه به جدول زیر بوده است. ایشان با خود می اندیشدند که ،با حرکات تهاجمی متقابل، به آمریکا نشان دهند که هرچند تهاجم متقابل برای ایشان بسیار تلخ خواهد بود (۱)، ولی ادامه حرکات تهاجمی برای آمریکا هم نتایج بسیار بدی خواهد داشت (۲) و آمریکا را متقاعد کنند حرکات غیر تهاجمی متقابل را انتخاب (۳و۴) کند که برای همه بهتر خواهد بود. توصیه های مکرر بیشتر کشورهای جهان به آمریکا در مورد خودداری از فشار به کشورهای مقید به قراردادهای بین المللی در چهارچوب این بازی معنی پیدا میکند. چین و روسیه از حکومت ونزوئلا در مقابل کودتای مخالفان مورد اعتماد آمریکا حمایت کردند. چین جنگ تعرفه های آغاز شده توسط آمریکا را با تعرفه های متقابل پاسخ داده است و در مقابل دستگیری مدیر هوآوی (Huawei) واکنش مقابله جویانه انجام داده است. روسیه مانع از سقوط حکومت سوریه بدست طرفداران آمریکا شد.

بازی آمریکا با سایر قدرتها

از دید سایرین با استراتژی عمل به مثل

		آمریکا الف			
		حرکت تهاجمی Hawk		حرکت غیر تهاجمی Dove	
سایر قدرتها ب	حرکت تهاجمی Hawk	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف	نتیجه برای ب	نتیجه برای الف
		بسیار بد (1)	بسیار بد (2)	<u>بسیار خوب</u>	<u>بد</u>
	حرکت غیر تهاجمی Dove	<u>بد</u>	<u>خوب بسیار</u>	خوب (4)	خوب (3)

از نظر ایران، بازی "عمل به مثل" با آمریکا که پس از برجام با قدمهای دوستانه طرفین ادامه یافت و منجر به قرار داد خریدهای چندین میلیاردی هواپیما شد، وارد مرحله جدیدی شده است. ایران با نگاه به عاقبت لیبی که استراتژی کبوتر را انتخاب کرد، با ساقط کردن پهباد آمریکا نشان داده است که اگر در مقابل آمریکا استراتژی "عمل به مثل" را انتخاب کند هزینه زیادی به آمریکا تحمیل خواهد کرد. ولی نو محافظه کاران آمریکا دوست دارند با تحریم های طولانی، مانند تحریم ده ساله عراق، ایران را تضعیف کنند تا در این مدت بتوانند آرایش نظامی لازمه را در خلیج فارس انجام دهند. از طرفی ایران که این تحریم عراق را از نزدیک دنبال کرده میداند که باید سرانجام تحریمها را هر چه زودتر مشخص کند و اگر بناست بصورت نظامی از خود دفاع کند ترجیح میدهد در زمانی که هنوز قدرت دارد وارد این بازی شود. طولانی شدن تحریم های آمریکا، در صورتی که منجر به تضعیف قدرت دفاعی ایران شود، منجر به حمله نظامی آمریکا شده و برای ایران نتایج بدتری برای ایران خواهد داشت. اقدام اتحادیه اروپا با ایجاد یک فضای رسمی برای دور زدن تحریم های آمریکا بر علیه ایران (INSTEX) و خودداری اروپاییان از تبعیت از آمریکا نشان دهنده دیدگاه اتحادیه اروپا در مورد نگرش آنها به بازی جدید است. سیستم اقدام مالی اروپا برای دور زدن تحریم های ایران، در صورت موفق شدن، خطر تضعیف ایران و حمله نظامی متعاقب از سوی آمریکا را منتفی میکند. لذا راه اندازی موفق این سیستم انگیزه ایران را برای حرکات تهاجمی کاهش میدهد.

به نظر میرسد برای بسیاری از کشورها بازی موفقی بجز مقابله مثل باقی نمانده است. لذا یک راه حل عمومی برای خروج از بحران کنونی جهان این است که آمریکا قدم دوستانه ای نسبت به سایرین بردارد. این امر مستلزم آن است که معتقدین به ایدئولوژی نو محافظه کاری از مناصب قدرت کنار گذاشته شوند. پرزیدنت ترامپ میتواند با انتصاب مدیران معتدل و نسبت دادن اشتباهات محاسباتی انجام شده به ایدئولوگ های نو محافظه کار، وضعیت خود را در دوران قبل از انتخابات با ثبات کرده و به نتایج بهتری در سیاست خارجی دست یابد. اخیرا پرزیدنت ترامپ گفته بود که اگر بنا بود به حرفهای جان بولتون (مشاور امور خارجه پرزیدنت ترامپ) عمل شود، آمریکا باید الان با همه دنیا در حال جنگ بود. این گفته نشان میدهد که پرزیدنت ترامپ به غیر واقعی بودن تصورات نو محافظه کاران واقف است. اخیرا زمزمه های تغییر جان بولتون به گوش میرسد و این ممکن است آغاز فصل نوینی از همکاری جهانی باشد.

منابع:

- <https://www.nbcnews.com/politics/national-security/bolton-hawk-struggles-retain-his-influence-trump-n1025986>
- https://www.realclearpolitics.com/video/2019/06/23/trump_if_it_was_up_to_john_bolton_us_would_go_to_war_against_the_whole_world_at_one_time.html
- Rasmusen, Eric. 2006. Games and Information: An Introduction to Game Theory. 4 edition. Malden, MA ; Oxford: Wiley-Blackwell.
- Froeb, Mccann, Et All. 2014. Managerial Economics: A Problem Solving Approach 3Rd Edition. Belmont, Calif.: Cengage.
- Heap, Shaun Hargreaves, and Yanis Varoufakis. 2004. Game Theory: A Critical Text. Psychology Press.